

راز دیوان مازندران

جلد یکم:

گفتار اندر پادشاه، که کاویس و رفتن او به مازندران

علی طهماسب پور کوتنائی



انتشارات اشجع

سرشناسه	طهماسب‌پور، علی، ۱۳۶۱ -
عنوان قرارداد	شاهنامه برگزیده، شرح
عنوان و نام پدیدآور	راز دیوان مازندران / علی طهماسب‌پور،
مشخصات نشر	تهران: اشجع، ۱۳۹۵ -
مشخصات ظاهری	ج: مصور (بخشی رنگی)، نقشه (بخشی رنگی).
شابک	ج: 978-964-2613-92-21
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	ص. ع. به انگلیسی: Ali Tahmasbpour Kutenace. The Mystery of Mazandaran's Daevas.
یادداشت	کتابنامه.
موضوعات	ج: ۱. گفتار اندر پادشاهی کی کاووس و رفتن او به مازندران
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر
موضوع	مقوله مازندران (گستره این بخش در ایران) با استناد به شاهنامه
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۴ ق. -- تاریخ و نقد
شناسه افزوده	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه، برگزیده
رده بندی دیویی	۳۱/۱۱۴
شماره کتابشناسی ملی	۴۲۱۹۶۷



راز دیوان مازندران

جلد یکم: گفتار اندر پادشاهی کیکاووس و رفتن او به مازندران

علی طهماسب‌پور کوتنائی

ناشر: اشجع

چاپ: اول - ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۱۳-۹۲-۲

تهران، بزرگراه رسالت، مجیدیه شمالی، خیابان برادران محمودی شرقی، کوچه امید، پلاک ۱

www.ashja.com تلفن: ۲۲۵۲۰۷۰۲ و ۲۲۵۱۲۸۳۴ دورنگار: ۲۶۳۰۰۶۶۸

فهرست مطالب:

۷	گزیده سخن گویمت من نخست	ز گفتار پیشینه و زند و اوست	پیشگفتار.....
۱۵	شوتن، نو سخن بس گران	ز کاووس و رفتن به مازندران	روایت و زندان در شاهنامه.....
۳۹	به ایران زمین و به مهر چو نان	بسانش به شهنامه مازندران	بررسی شباهت های زندان شاهنامه و ایران در گذر دوران.....
۹۷	که داند که مازندران در کجاست	که هر سو روم زو نشانی به جاست	کاوش مکانی مازندران.....
۱۱۱	ز فرهنگ و از حیل و ازگان	بی تا جریب زیشان نشان	ریشه شناسی واژه مازندران.....
۱۳۵	به نام خداوند دانای راز	قدم را نهادم به راز	آغاز رازگشائی مازندران شاهنامه.....
۱۸۱	منابع.....		
۱۷۷	پیوست.....		

برنام خداوند راز و خالق ماز

پیش‌گفتار:

تاریخ، داستانی است که اتفاق افتاده و داستان، تاریخی است که می‌توانست اتفاق افتاده باشد.

ادموند دو گنکور^۱

شاهنامه حکیم فردوسی، روایت‌گر تاریخ اساطیری ایران زمین است، اسطوره‌هایی که از کیوسرت آغاز و به داریا و سکندر خاتمه می‌یابد.

اگر چه، زبان روشن و روان فرهنگ‌های، شعر درخشان و آینه وار وی که اندیشه‌های سخنور، به رسایی و اسکارگی در آن باز می‌تابد، سبب شده است که شاهنامه متنی انگاشته شود به دور از رازهای ماز؛ و اندیشه‌های پیچ در پیچ و دیرپاب،^۲ اما حقیقت چیز دیگری است...

شاید بتوان شاهنامه خوانان و پژوهشگران شاهنامه را به دو دسته کلی تقسیم نمود: دسته یکم، که گمان می‌کنند شاهنامه و افسانه‌هایش تماماً زاده ذهن فردوسی و افسانه سرایان است و ریشه‌ی تاریخی ندارد. و دسته دوم، که بر این باورند که شاهنامه فردوسی و داستانها و افسانه‌هایش ریشه در تاریخ و فرهنگ گذشته ایرانیان دارد.

قرن‌هاست که در میان پژوهشگران، این پرسش مطرح است که این اساطیر که هستند؟ آیا تنها افسانه‌هایی زاده ذهن افسانه سرایانند و یا ریشه در دل

۱ - E. de Goncourt

۲ - میر جلال الدین کزازی. مازهای راز، ص ۵۲

تاریخ این سرزمین دارند؟ و اگر باور کنیم که شخصیت‌هایی تاریخی‌اند، آیا می‌توان آن‌ها را در گستره زمان و مکانی خاص گنجاند؟ پژوهش‌های انجام شده از زمان درگذشت حکیم بزرگ تا به امروز، خبر از شواهدی می‌دهد که نظرات دسته یکم را به چالش می‌کشد. و نظریه دسته دوم را به نطقی‌تر جلوه می‌نماید. و ما در این کتاب، صحت نظریه دوم را، در خصوص «شکرکشی از شاهنامه، یعنی، «قسمت آغازین پادشاهی کی‌کاووس و لشکرشی او به مازندران»، بررسی خواهیم کرد.

دوران حکومت کی‌کاووس شاه، از نگاه شاهنامه^۱، دوران پر فراز و نشیبی است. دورانی که سرناز آ، با وسوسه شاه توسط دیوی خنیاگر و لشکرکشی او به سرزمین افسانه‌ای رندران آغاز می‌گردد، و نتیجه‌اش، اسارت شاه و سپاهش به دست دیوان را در پی می‌آورد. یکی خبر به زال و رستم می‌رساند، و رستم بی‌درنگ به یاری ایرانیان می‌شاید. این گونه هفت خوان رستم آغاز می‌گردد.

شناخت حقیقت و واقعیت افسانه‌ها و سلسله‌ها نیاز به پژوهشی دقیق، جامع و گسترده دارد و هر پژوهشی بر پایه دانش به یادگار مانده از تلاش‌های محققان و اندیشمندان گذشته صورت می‌پذیرد. زمانی که بهترین لحظات عمر خویش را وقف تحقیق و پژوهش در این گستره سودمند، مرحوم دکتر صادق کیا^۲ (۱۳۹۹-۱۳۸۰) در کتابش «مازندران و شاهنامه»، بار بار برداشت اساتید خویش از این داستان شاهنامه چنین می‌گوید: «پانزده ساله بودم که نخست بار داستان رفتن کاووس را به مازندران در شاهنامه خواندم و از آن سخت در شگفت شدم، زیرا که مازندران زادگاه و زیستگاه نیاکان من است و

۱- مورخان و اسطوره‌نویسانی چون طبری، به روایت «کی‌کاووس و رفتن او به مازندران» اشاره‌ای نکرده‌اند.

۲- صادق کیا (۱۳۹۹-۱۳۸۰) زبان‌شناس و متخصص زبان‌های باستانی ایرانی

من آن سرزمین و مردمانش را می‌شناختم و برخی از سخنان فردوسی را درباره آنها با شناسائی و آگاهی خود سازگار نمی‌یافتم... پس چرا فردوسی با آن شور و ایران‌پرستی از آنان چنین سخن گفته و سرزمین زیبا و خرم‌شان را جایگاه دیوان و جادوگران شمرده است. تا آن که در دانشگاه تهران به فراگرفتن دانش پرداختم و توانستم این پرسش را با تنی چند از استادان در میان بگذارم. آنان هیچ یک پاسخی که مرا خشنود و خرسند نماید نداشتند. یکی از آنان گفت که نام این استان در اوستا «مزنه» است و گویا تا روزگار کاووس و زردشت و چندی پس از آن آریائیان نبوده است و چون انیران (ناآریائیان) و دیویسنان در آن می‌نشستند این به بدی یاد شده است. او به من اندرز داد که دلبستگی سخت به مازندران نباید تو را از این سخنان که کهن‌ترین آگاهی‌ها از زادگاه تو است، آزرده کند. اما من دریافتم به‌دم که اینجا رازی نهفته است و راستی نه این است که آنان می‌پندارند»

امروزه، تنها مکانی که به نام «مازندران» شناخته می‌شود، سرزمینی است در شمال ایران زمین که به گواه پژوهشگران تاریخ، از چندین قرن پیش بدین نام خوانده می‌شده، سرزمینی که بیش‌تر و پیش‌تر از آن، با نام «طبرستان» معروف مورخان، باستان‌شناسان و اسطوره‌شناسان بوده است. سرزمینی که فردوسی^۱ و طبری^۲، آن را نشستگاه فریدون و منوچهر دانسته‌اند و برخی چون اسعد گرگانی و ... سرزمین حماسه‌آفرینی آرش کمانگیر^۳.

۱- فردوسی. شاهنامه، پادشاهی فریدون

۲- طبری. تاریخ طبری، جلد اول، ص ۱۸۸، پادشاهی منوچهر و پرتاب تیر توسط ارشسپایر (آرش) از طبرستان به بلخ

۳- طهماسب پور و نوربخش، نگاهی تحلیلی به اسطوره‌ها، نام‌ها و اقوام ساکن در اطراف دماوندکوه

از آمل گذر سوی تمیشه کرد نشست اندر آن نامور بیشه کرد
(شاهنامه، پادشاهی فریدون)

از آن خوانند آرش را کمانگیر که از ساری^۱ به مرو انداخت یک تیر
(ویس و رامین، نامه پنجم)

اما اژه «مازندران» در شاهنامه^۲، گویا اشاره به سرزمینی دیگر دارد و فردوسی مازندران را نه جایگاه فریدون و منوچهر، بلکه سرزمین دیوان و جادوئران دانسته است. سرزمینی افسانه ای که با نام رستم و هفت خوان آشنای عام و خاص است.

ابالشکر گشنه گرزگران نکردند آهنگ مازندران
که آن خانه دیو افسرگران طلسمت وز بند جادو درست

این دوگانگی، دیدگاه‌های متفاوتی را در خصوص مازندران پدید آورده است. در این میان، پژوهشگرانی که بر این مازندران اساطیری شاهنامه، دارای ریشه تاریخی و جغرافیایی است، مکان‌های اساطیری را برای آن در نظر گرفته‌اند: گروه اول، بر این نظرند، مازندرانی که ریشه ران بدان جا به نبرد رفته است، سرزمینی بوده در مغرب ایران، و بلاد شام را مازندران بسته‌اند. شاهنامه ابومنصوری پا را فراتر گذاشته و علاوه بر شام، مصر و یمن را نیز مازندران دانسته است. گروه دوم، مازندران را سرزمینی در مشرق زمین و در نزدیکی هند متصور شده‌اند. در این میان محققانی نیز، به هر دو مازندران قائلند، یکی

۱- محل پرتاب تیر به نقل از سایر منابع: اثیریوخشونه، کوه رویان، دماوند کوه، پدشخوارگر، طبرستان. (نامه باستان، ج دوم، صفحه ۲۷۷)

۲- فردوسی، شاهنامه، پادشاهی کیکاووس و رفتن او به مازندران

در مغرب و یکی در مشرق ایران. و گروه سوم، مازندران اساطیری شاهنامه فردوسی را همان مازندران شمال ایران زمین می‌دانند.

با این اوصاف، اگر مازندران را از شاهنامه جستجو کنیم سردرگم خواهیم شد و اگر در سخن سایر مورخان و پژوهشگران جویا شویم، حیران می‌مانیم! چرا که آنان گستره ای از مصر و شام و یمن تا شرق ایران و هندوستان را محتمل دانسته‌اند.

ورنه نایب‌سند بر آن است که روایت فردوسی حکیم از "سفر کی‌کاووس و رستم به مازندران" نه تنها در تاریخ، که در فرهنگ و آئین این سرزمین باستانی ریشه دارد و همت خویش را بر آن استوار نموده تا حقیقت و لایه‌های پنهان این افسانه را ریشه‌دار به دنبال آن است تا بداند؛

«اسطوره کی‌کاووس و رستم و دیوان مازندران را بایستی در چه شخصیت‌هایی و در چه زمان و مکان جست‌وجو نمود و کاوید؟

آیا مازندران، همان دارالملک است که در چند قرن اخیر، به بخشی از شمال ایران زمین^۱ گویند و یا سرزمینی در دوردست‌هاست؟

و به راستی این کدامین سرزمین و منزل است که در شاهنامه "مازندران" گویند؟ جایگاه ارزنگ و دیو سپید، بند کننده شاه کی‌کاووس، گذرگاه نره

دیوان خنجرگذار، منزلگاه پریان و جادوان، سرزمین حیرت و هفت خوان «راز دیوان مازندران» نامی برگزیده بر کل مجموعه و جلدی این کتاب

است. همچنین، جلد نخست؛ «گفتار اندر پادشاهی کی‌کاووس و رفتن او به مازندران» نام نهاده شده است.

لازم به شرح است که جلد نخست کتاب، از پنج فصل تشکیل شده است: فصل یکم، گزیده‌ای از داستان آغاز پادشاهی کی‌کاووس تا فتح مازندران بیان

۱- سرزمین باستانی طبرستان: سرزمینی که از سواحل جنوبی دریای کاسپین آغاز و پس از عبور از جنگلهای هیرکانی (شمال ایران) به بلندای البرز کوه می‌رسد.

می‌گردد. در فصل دوم، با تکیه بر برخی شباهت‌های موجود میان مازندران ایران و شاهنامه، جستجوی تاریخی شخصیت‌های اساطیری داستان از عهد باستان تا اواخر ساسانی در مازندران ایران صورت می‌پذیرد و برخی گمانه‌ها مطرح می‌گردد. (این گمانه‌ها در جلد دوم نیز ادامه می‌یابد). در فصل سوم، خاستگاه مکانی مازندران شاهنامه، از نگاه پژوهشگران قدیم و جدید بیان می‌گردد. و در فصل چهارم، با توجه به یافته‌های فصول قبل و نکات جدید، به ریشه‌شناسی واژه مازندران پرداخته می‌شود (این ریشه‌شناسی نیز در جلد دوم ادامه خواهد داشت) و سرانجام نویسنده در فصل پنج کتاب، با بیان فرضیاتی قابل تأمل، یکی از ریشه‌های تاریخی تشکیل دهنده افسانه کی‌کاووس و رفتن او به مازندران را بهره‌گیری از سخنان حکیم طوس در شاهنامه و همچنین سخن مورخان، مطرح می‌نماید و این تحلیل و مقایسه، تا پیش از نبرد هفت‌خوان را در بر می‌گیرد و جلد نخستین کتاب «راز دیوان مازندران» پایان می‌پذیرد.

شرح مطالب جلد دوم که «گزارش دریافت‌خوان رستم و بازگشت کی‌کاووس از مازندران» است، در همان جلد، حاصل آمد. حال، سخن کوتاه می‌کنم و بدان امید که این کتابی هر چند کوچک در راه اعتلای جامعه بشری بردارد، آن را به همگان، به روشمندان و زنان آینده سرزمینم، تقدیم می‌کنم.

در اینجا لازم می‌دانم، از سرکار خانم دکتر سیده زهرا نوربخش آهنگر کلایی و سرکار خانم سیده فاطمه عمادی چاشمی به خاطر همکاری در ویراستاری و سرکار خانم سیده مرضیه نوربخش آهنگر کلایی به خاطر همکاری در طراحی تصاویر، تشکر نمایم. همچنین از زحمات سرکار خانم اشجع مدیر انتشارات اشجع سپاسگزارم.

از اساتید بزرگوارى که نظرات ارزشمندشان راهگشای اینجانب بوده است، و همه عزیزانى که مرا در نگارش و خلق این اثر یارى نموده‌اند، نیز قدردانى مى‌نمایم.

خدای را سپاس که جلد نخست کتاب را در پایان آبان روز در فروردینه ماه مصادف با شب ولادت زهرای اطهر(س) به پایان رسانیدم.

علی طهماسب پور کوتنائی

دهم فروردین ۱۳۹۵ (۱۹ جمادی الثانیه ۱۴۳۷)